

## اشارات قرآنی (تضمین و تلمیح) در صحیفه سجادیه

فاطمه شریف زاده یزدی\*

تاریخ دریافت: ۹۵/۶/۵

محمد جنتی فر\*\*

تاریخ پذیرش: ۹۵/۹/۱۰

### چکیده

یکی از قرینه‌ها، عرضه ادعیه صحیفه سجادیه به قرآن است. بر این اساس این پژوهش در صدد بررسی «درونمایه‌های مشترک قرآن و صحیفه» بوده تا به درستی متن کتاب دست یابد. رابطه قرآن و صحیفه، رابطه محتوایی است. با عرضه صحیفه سجادیه به قرآن کریم، اشارات، تلمیح‌ها، تضمین‌های قرآنی آن حضرت فراوان به چشم می‌خورد و اشتراکات بین آن دو کتاب اعتبار صحیفه را می‌افزاید. به هم تنیدگی قرآن و صحیفه در حد گسترده است که در این پژوهش به موارد اندکی از آن اشاره می‌شود. در این نوشتار، گزارشی از تضمین‌ها، تلمیح‌ها و رابطه محتوایی صحیفه با قرآن ارائه می‌شود تا پژوهشگران بر پایه آن بتوانند به موضوعات دیگری مانند تفسیر قرآن و استنادات قرآنی هم بپردازند.

**کلیدواژگان:** قرآن، صحیفه سجادیه، تضمین، تلمیح، تفسیر قرآن، تسمیه خداوند، وصف قرآن.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

صحیفه سجادیه حاوی دعا‌های بسیار معتبری از نظر مضمون است و پس از قرآن قدیمی‌ترین میراث شیعی است که از اول به صورت کتاب وجود داشته و اکنون در دست ماست. به سبب ناشناخته ماندن دو راوی نخست آن، یعنی متوکل بن هارون و عمیر بن متوکل نمی‌توان سند آن را، از دیدگاه علم رجال، صحیح خواند. راهکار شناخته‌شده برای تقویت چنین احادیثی، گردآوری قرینه‌هایی است که متن را تقویت کند و نسبت کتاب به گوینده را محکم‌تر نماید. یکی از قرینه‌ها، عرضه دعا‌های صحیفه سجادیه به قرآن و سنت است. بر همین اساس در این نوشتار تنها «درونمایه‌های مشترک قرآن و صحیفه» را بررسی کرده‌ایم تا بر درستی متن کتاب دست یازیم.

در نخستین گام‌های پژوهش، به هم تنیدگی قرآن و صحیفه را آن‌چنان گسترده یافتیم که چنانچه تمامی موارد را گزارش نماییم، خود پژوهشی دراز دامن و مستقل خواهد شد. در بررسی دعا‌های صحیفه، عبارت‌هایی رخ می‌نماید که آیه‌ای از قرآن، بدون تغییر، در متن دعا آمده است. ما این موارد را با عنوان «تضمین» آورده‌ایم؛ اما بیش از موارد تضمین آیات در صحیفه، اشارات و تلمیح‌های قرآنی فراوانی است که در صحیفه به کار رفته است. در بخشی از این نوشتار، اشارات و تلمیح‌های قرآنی صحیفه را برنموده‌ایم که در این موارد گاه، اطلاقی را تقیید و یا اجمال قرآنی را تبیین و در مواردی نکات مبهمی را تفسیر می‌کند.

آنچه در بررسی رابطه قرآن و صحیفه مهم است، محتوای همسان آن‌هاست؛ برای نمونه، اگر بیش‌ترین تأکیدات قرآن بر محور توحید است، صحیفه سجادیه نیز توحیدگراست. در جای جای صحیفه توحید ذاتی، توحید صفاتی، توحید افعالی و توحید عبادی تبیین شده است و یا اگر روح قرآن تقویت روحیه سپاسگزاری از منعم است، در همه جای صحیفه نیز سپاسگزاری از منعم نمایان است. پیوند صحیفه سجادیه با قرآن را در محورهای گوناگون قابل بررسی است؛ مانند تضمین‌های قرآنی، تلمیح‌های قرآنی، استنادات صحیفه به قرآن، تفسیر قرآن، شواهد قرآنی در صحیفه و عباراتی از صحیفه که با قرآن ناسازگار است. بنا بر روایت پیامبر اسلام که فرمودند: «ان تارک فیکم الثقلین؛ کتاب الله و عترتی»؛ در این مقاله بر آن‌ایم تا شباهت‌های نشر و سبک ادبی، صناعات لفظی و

معنوی و اهداف مشترک و پیام‌های ادعیه قرآن و صحیفه سجادیه را به عنوان درونمایه‌های مشترک قرآن و صحیفه سجادیه به منصفه ظهور برسانیم.

### پیشینه و فرضیه تحقیق

با هدف ذکر کامل اشارات علمی، تفسیری و ذکر آیات قرآن در صحیفه سجادیه، بسیاری از جمله‌های صحیفه مبارکه قابل انطباق با آیات قرآن کریم است، یعنی مطابق با دعا، آیاتی از قرآن کریم وجود دارد، این نکته مبین این است که گوینده احاطه کافی و وافی به آیات قرآن کریم داشته و شاید دعاهای خود را بر اساس آن آیات بر زبان جاری ساخته است، افسوس که این سطور را گنجایش آن نیست تا تمامی جملات را مطرح نموده و آیات مطابق را بیان نمائیم که این خود تدوین کتابی را در بر دارد که حال اتمام صفحات آن هستم و به زودی آن را به آستان آن حضرت تقدیم خواهم نمود و این مقاله بخشی از آن است.

### تضمین‌های قرآنی در صحیفه سجادیه

واژه تضمین به معنای گنجاندن چیزی در چیز دیگر است؛ و در اصطلاح علم بدیع، آن است که شاعر از عبارت یا مصرع و یا از بیتی از شاعر دیگر در شعر خود استفاده کند و اگر شاعری مشهور نبود، نامش را نیز بیاورد. پیشوایان دین برای انتقال بهتر و زیباتر مفاهیم دینی بارها از تضمین‌ها و تلمیح‌های قرآنی در سخنان خویش بهره برده‌اند و با خواندن قسمتی از آیه قرآن و یا بیان کلمه‌ای از قرآن، خواننده را به مفهوم گسترده قرآنی ارجاع داده‌اند. *امام سجاد(علیه السلام)* نیز در سخنان و ادعیه خود از این روش بهره برده است. آنچه به عنوان تضمین در اینجا مراد است، عبارت‌هایی از صحیفه است که امام(علیه السلام) آیه را در ضمن دعای خویش آورده است. *امام سجاد(علیه السلام)* در هیجده دعای صحیفه سی بار آیات قرآن را عیناً در ضمن دعاهایش آورده است و بیش از ۲۱۵ بار به آیاتی از قرآن در ۴۷ دعای صحیفه اشاره کرده است. در برخی موارد با الفاظی مانند «قلت» تصریح می‌کند که عبارت پیش رو، آیه قرآن است، برای نمونه:

«وَأَنْتَ الَّذِي دَلَلْتَهُمْ يَقُولُكَ مِنْ غَيْبِكَ وَتَرِغِيكَ الَّذِي فِيهِ حَظُّهُمْ عَلَى مَا لَوْ سَتَرْتَهُ عَنْهُمْ لَمْ تُدْرِكْهُ أَبْصَارُهُمْ، وَلَمْ تَعِهِ أَسْمَاعُهُمْ، وَلَمْ تَلْحَقْهُ أَوْهَامُهُمْ، فَقُلْتَ: اذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ، وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ، وَقُلْتَ لِمَنْ شَكَرْتُمْ لَا زَيْدُنْكُمْ، وَلِمَنْ كَفَرْتُمْ لَنْ عَذَابِي لَشَدِيدٌ. وَقُلْتَ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ، إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ»

در این عبارت کوتاه، امام سه آیه از قرآن را در کلام خویش تضمین کرده و پس از آن، در عبارتی کوتاه تفسیری از آیه ۶۰ سوره شریفه غافر را ارائه نموده است:

﴿فَسَمِّيتُ دُعَاءَكَ عِبَادَةً، وَتَرَكْتُ اسْتِكْبَارًا، وَتَوَعَّدْتُ عَلَى تَرْكِهِ دُخُولَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾

رابطه‌ای که امام میان دعا و عبادت برقرار کرده، با تأمل در آیه و ارتباط هر قسمت با قسمت پیشین نمایان می‌شود؛ به گونه‌ای که امام (إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي) را با ﴿ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾ پیوند زده و واژه شناخته‌شده دعا را به عبادت تفسیر کرده است. دقت در این روش، لایه‌های علمی تفسیر قرآن به قرآن را پر بارتر خواهد کرد.

امام در برخی از دعا‌های صحیفه، آیه‌ای از قرآن را در کلام دعایی خویش آورده است، بدون آن که با واژگانی مانند «قلت» بدان تصریح کند؛ برای نمونه: «وَخَلَقَ لَهُمُ النَّهَارَ مُبِصْرًا لِيَبْتَغُوا فِيهِ مِنْ فَضْلِهِ، وَيَلْتَسَبَّبُوا إِلَى رِزْقِهِ، وَيَسْرَحُوا فِي أَرْضِهِ، طَلَبًا لِمَا فِيهِ نَيْلُ الْعَاجِلِ مِنْ دُنْيَاهُمْ، وَدَرَكُ الْآجِلِ فِي آخِرَاهُمْ بِكُلِّ ذَلِكَ يَصِلِحُ شَأْنُهُمْ، وَيَلْمُوا أَخْبَارَهُمْ، وَيَنْظُرُ كَيْفَ هُمْ فِي أَوْقَاتِ طَاعَتِهِ، وَمَنَازِلِ قُرُوضِهِ، وَمَوَاقِعِ أَحْكَامِهِ، لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَأُوا وَابِمَا عَمِلُوا، وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى».

آیه‌ای که امام در دعا تضمین کرده است چنین است:

﴿وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَأُوا وَابِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى﴾

در این آیه هرچه را در آسمان‌ها و زمین است، از آن خداوند می‌داند. امام در دعای خود به قسمتی از خلقت خداوند - که همان آفرینش روشنایی روز باشد - اشاره می‌کند و تمام سعی و تلاش آدمی را صحنه آزمون الهی می‌شناساند. در پی روزی رفتن، به سیر و سفر پرداختن، مراقبت از اوقات، اعمال و احکام واجب نمودن همگی برای رسیدن به پاداشی است که خداوند وعده داده است و بی‌اعتنایی به آن‌ها کیفر الهی را فراهم می‌آورد. در هیجده دعای صحیفه سجادیه، سی عبارت وجود دارد که آیه قرآن تضمین شده است. این موارد، عبارت‌هایی است که آیه قرآن، بدون فزونی و یا کاستی در آن‌ها

آمده است و چنانچه در میان آیه‌ای کلمه‌ای توضیحی وجود داشته باشد، در قسمت تضمین‌ها گزارش نشده است؛ برای نمونه، در دعای مکارم الاخلاق می‌خوانیم:

«اللَّهُمَّ وَصِلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ قَبْلَهُ، وَأَنْتَ مُصَلِّ عَلَيَّ أَحَدٍ بَعْدَهُ، وَإِتْنَابِي الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةٌ، وَقِنِي بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ»

در این دعا جمله «وَقِنِي بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ»؛ اشاره‌ای به آیه «وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» دارد، ولی واژه «برحمتک»، کلمه‌ای توضیحی است که در آیه قرآن نیست، از این روی در قسمت تضمین‌ها استفاده نشد.

اشارات قرآنی صحیفه سجادیه بسیار بیش‌تر از تضمین‌هاست.

در جدول مندرج در مقاله فهرستی از تضمین‌های صحیفه به همراه آیات قرآن است. دعاهایی که آیه‌ای از قرآن در آن‌ها تضمین نشده است، عبارت‌اند از دعاهای (۴)، (۵)، (۷)، (۸)، (۹)، (۱۰)، (۱۱)، (۱۳)، (۱۴)، (۱۵)، (۱۷)، (۱۸)، (۱۹)، (۲۱)، (۲۲)، (۲۳)، (۲۶)، (۲۷)، (۲۸)، (۳۰)، (۳۲)، (۳۳)، (۳۴)، (۳۵)، (۳۶)، (۳۷)، (۳۸)، (۳۹)، (۴۰)، (۴۱)، (۴۲)، (۴۳)، (۴۶)، (۴۹)، (۵۱) و (۵۳).

ادعیه صحیفه سجادیه	شماره	آیات قرآن	آدرس آیه
تعرض ب له فی الحیاة اجلا موقوما... قبضه الی ماندبه الیه من موفور ثوابه او محذور عقابه، ﴿لِيَجْزِيَ الَّذِينَ اَسْوَابِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ اَحْسَنُوا بِالْحَسَنِي﴾	۱	﴿لِيَجْزِيَ الَّذِينَ اَسْوَابِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ اَحْسَنُوا بِالْحَسَنِي﴾	النجم/ ۳۱
تَقَدَّسَتْ اَسْمَاؤُهُ، وَتَظَاهَرَتْ اَلَاؤُهُ، لَا يُسْتَلُّ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُرْيُسْتَلُّون	۱	﴿لَا يُسْتَلُّ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُرْيُسْتَلُّون﴾	الانبيا/ ۲۳
وَلَوْ كَانُوا كَذَلِكَ لَخَرَجُوا مِنْ حُدُودِ الْاِنْسَانِيَّةِ اِلَى حَدِّ الْبُهْمِيَّةِ فَكَانُوا كَمَا وَصَفَّ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ: «اِنَّ هُمْ اِلَّا كَالْاَنْعَامِ بَلْ هُمْ اَصْلُ سَبِيْلًا»	۱	﴿اِنَّ هُمْ اِلَّا كَالْاَنْعَامِ بَلْ هُمْ اَصْلُ سَبِيْلًا﴾	الفرقان/ ۴۴
حَمْدًا يَبْصِيءُ نَسَابَهُ ظُلُمَاتِ الْبُرْجِ،	۱	﴿تَجْزِي كُلَّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُرْيَا﴾	الجاثيه/ ۲۲

<p>الدخان/ ۴۱ المطففين ۲۰- ۲۱</p>	<p>﴿يُظَلَمُونَ﴾ ﴿يَوْمَ لَا يُعْنِي مَوْلَىٰ عَنْ مَوْلَىٰ شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ﴾ ﴿كِتَابٍ مَرْقُومٍ يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ﴾</p>	<p>وَيُسْهَلُ عَلَيْتَايَه سَبِيلَ الْمَبْعَثِ، وَيُسْرَفُ بِهِ مَنَازِلُنَا عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ، يَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهِيَ لَا يُظَلَمُونَ، يَوْمَ لَا يُعْنِي مَوْلَىٰ عَنْ مَوْلَىٰ شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ. حَمْدًا يَرْتَفِعُ مِنَّا إِلَىٰ أَعْلَىٰ عِلِّيِّينَ فِي كِتَابٍ مَرْقُومٍ يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ.</p>
<p>البقره/ ۲۸۶</p>	<p>﴿لَا يَكْفِيكَ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وَسَعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تَأْخُذْنَا إِن نَّسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ﴾</p>	<p>۱ فَمَا هَكَذَا كَانَتْ سُنَّتُهُ فِي التَّوْبَةِ لِمَنْ كَانَ قَبْلَنَا، لَقَدْ وَصَّعَ عَنَّا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ</p>
<p>التحریم/ ۶</p>	<p>﴿... لَا يَحْضُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾</p>	<p>۳ وَالَّذِينَ لَا يَحْضُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ، وَ يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ</p>
<p>الرعد/ ۲۴</p>	<p>﴿وَسَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ﴾</p>	<p>۳ وَالَّذِينَ يَقُولُونَ: سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ</p>
<p>الحاقه/ ۳۰-۳۱</p>	<p>﴿خُذُوهُ فَغُلُّوهُ ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ﴾</p>	<p>۳ وَالرَّئِیَّةَ الَّذِينَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ: خُذُوهُ فَغُلُّوهُ ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ ابْتَدَرُوا سُرْعَاءَ، وَلَمْ يُنظَرُوهُ.</p>
<p>ق/ ۲۱</p>	<p>﴿كُلُّ نَفْسٍ مَّعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ﴾</p>	<p>۳ فَصَلِّ عَلَيْهِمْ يَوْمَ يَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ مَّعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ</p>
<p>الحشر/ ۱۰</p>	<p>﴿يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ﴾</p>	<p>۴ اللَّهُمَّ وَأَوْصِلْ إِلَى الشَّابِعِينَ لَهُمْ بِالْحَسَنِ، الَّذِينَ يَقُولُونَ: رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ خَيْرَ جَزَائِكَ</p>
<p>النجم/ ۳۱</p>	<p>﴿لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا، وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى﴾</p>	<p>۶ وَخَلَقَ لَهُمُ النَّهَارَ مُبِصِرًا لِيَبْتَلُوهُمْ فِيهِ مِنْ فَضْلِهِ، وَلِيَسْجُبُوا إِلَىٰ رُزْقِهِ، وَيَسْرَحُوا فِي</p>

			<p>أَرْضِهِ، طَلِبًا لِمَا فِيهِ نَيْلُ الْعَاجِلِ مِنْ دُنْيَاهُمْ، وَدَرَكُ الْأَجْلِ فِي آخِرَاهُمْ بِحُلِّ ذَلِكَ يُصْلِحُ شَأْنَهُمْ، وَيَلْوُ أَخْبَارَهُمْ، وَيُنْظُرُ كَيْفَ هُمْ فِي أَوْقَاتِ طَاعَتِهِ، وَمَنَازِلِ فُرُوضِهِ، وَمَوَاقِعِ أَحْكَامِهِ، لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا، وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى</p>
المدثر/ ۵۶	﴿وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ﴾	۱۲	<p>وَلَا أَخَافُ عَلَى نَفْسِي إِلَّا إِيَّاكَ، إِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ</p>
غافر/ ۷	﴿رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا﴾	۱۶	<p>أَنْتَ الَّذِي وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا</p>
الجاثیه/ ۲۲	﴿وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَتَجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾	۲۴	<p>وَلَا تَجْعَلْنِي فِي أَهْلِ الْعُقُوقِ لِلْآبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ يَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ.</p>
البقره ۲۰۱	﴿وَمِنْهُمْ مَن يَقُولُ رَبَّنَا إِنَّا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةٌ وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾	۲۵	<p>اللَّهُمَّ أَعْطِنَا جَمِيعَ ذَلِكَ بِتَوْفِيقِكَ وَرَحْمَتِكَ... إِنَّكَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ سَمِيعٌ عَلِيمٌ غَفُورٌ رَّءُوفٌ رَّحِيمٌ، وَإِنَّا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةٌ، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةٌ وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ.</p>
الذاريات ۲۲	﴿وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ﴾	۲۹	<p>وَاجْعَلْ مَا صَرَّحْتَ بِهِ مِنْ عِدَّتِكَ فِي وَحْيِكَ، وَاتَّبَعْتَهُ مِنْ قَسْمِكَ فِي كِتَابِكَ، قَاطِعًا لِأَهْتِمَامِنَا بِالرِّزْقِ الَّذِي تَكْفَلْتُ بِهِ، وَحَسْمًا لِلِاشْتِغَالِ بِمَا صَمِنْتَ الْكِفَايَةَ لَهُ فَقُلْتَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ الْأَصْدَقُ، وَأَقْسَمْتَ وَقَسْمِكَ الْأَبْرَأُ الْوَفِيُّ: وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ.</p>

<p>همان ٢٣</p>	<p>﴿قَوْرَبِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ﴾</p>	<p>٢٩</p>	<p>تُمْ قُلْتَ قَوْرَبِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ</p>
<p>غافر ٦٠</p>	<p>﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾</p>	<p>٣١</p>	<p>اللَّهُمَّ فَهَذَا قَدْ جِئْتِكَ مُطِيعاً لِأَمْرِكَ فِيمَا أَمَرْتَ بِهِ مِنَ الدُّعَاءِ، مُتَّجِزاً وَعَدَلَك فِيمَا وَعَدْتَ بِهِ مِنَ الْإِجَابَةِ، إِذْ تَقُولُ: ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ</p>
<p>البقره ١٨٥</p>	<p>﴿شَهْرَ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَنْ كَانَ مَرِيضاً أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَيْتُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾</p>	<p>٤٤</p>	<p>وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ مِنْ تِلْكَ الشُّبُلِ شَهْرَهُ شَهْرَ رَمَضَانَ، شَهْرَ الصِّيَامِ، وَشَهْرَ الْإِسْلَامِ، وَشَهْرَ الظُّهُورِ، وَشَهْرَ التَّمْحِيصِ، وَشَهْرَ الْقِيَامِ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ، هُدًى لِّلنَّاسِ، وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ.</p>
<p>المومنون/١١ همان/٦٠ همان/٦١</p>	<p>﴿الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ ﴿وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ، أَنَّهُمْ إِلَى رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ﴾ ﴿وَمِنَ الَّذِينَ يَسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ﴾</p>	<p>٤٤</p>	<p>اللَّهُمَّ وَاجْعَلْنَا فِي سَائِرِ الشُّهُورِ وَالْأَيَّامِ كَذَلِكَ مَا عَمَّرْتَنَا، وَاجْعَلْنَا مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ، وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ، أَنَّهُمْ إِلَى رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ، وَمِنَ الَّذِينَ يَسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ.</p>
<p>التحریم/٨</p>	<p>﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَاغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾</p>	<p>٤٥</p>	<p>أَنْتَ الَّذِي فَتَحْتَ لِعِبَادِكَ بَاباً إِلَىٰ عَفْوِكَ، وَسَمَّيْتَهُ التَّوْبَةَ، وَجَعَلْتَ عَلَىٰ ذَلِكَ الْبَابِ دَلِيلاً مِنْ وَحْيِكَ لِئَلَّا يَضِلُّوا عَنْهُ، فَقُلْتَ: تَبَارَكَ اسْمُكَ: تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحاً عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ. يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ</p>



			<p>وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ، نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ، يَقُولُونَ: رَبَّنَا آتِنَا نُورَنَا، وَاعْفِرْ لَنَا، إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.</p>
<p>الانعام/ ۱۶۰ البقره/ ۲۶۱ همان/ ۲۴۵</p>	<p>﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ مِثَالِهَا، وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا﴾ ﴿مِثْلُ الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمِثْلِ حَبَّةِ خَبثٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سَبِيلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ، وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ﴾ ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً﴾</p>	<p>۴۵</p>	<p>فَقُلْتُ - تَبَارَكَ اسْمُكَ - : تَوَبُّوْا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَكْفِرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ . يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ ، نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ ، يَقُولُونَ : رَبَّنَا آتِنَا نُورَنَا ، وَاعْفِرْ لَنَا ، إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . فَمَا عَذْرَ مَنْ أَخْفَلَ دُخُولَ ذَلِكَ الْمَنْزِلِ بَعْدَ فَتْحِ الْبَابِ وَإِقَامَةِ الدَّلِيلِ . وَأَنْتَ الَّذِي زِدْتَ فِي السُّومِ عَلَىٰ نَفْسِكَ لِعِبَادِكَ ، تَرِيدُ رَبُّهُمْ فِي مَتَاجِرَتِهِمْ لَكَ ، وَفَوْزَهُمْ بِالْوَفَادَةِ عَلَيْكَ ، وَالزِّيَادَةَ مِنْكَ ، فَقُلْتُ - تَبَارَكَ اسْمُكَ وَتَعَالَيْتَ : مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ مِثَالِهَا ، وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا . وَقُلْتُ : مِثْلُ الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمِثْلِ حَبَّةِ خَبثٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سَبِيلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ ، وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ ، وَ قُلْتُ : مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفُهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً . وَمَا أَنْزَلْتَ مِنْ نَظَائِرِهِنَّ فِي الْقُرْآنِ مِنْ تَفَاعُيفِ الْحَسَنَاتِ .</p>
<p>البقره/ ۱۵۲ ابراهيم/ ۷</p>	<p>﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ، وَأَشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُون﴾ ﴿لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ، وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ﴾</p>	<p>۴۵</p>	<p>وَأَنْتَ الَّذِي دَلَلْتَهُمْ يَقُولُكَ مِنْ عَيْبِكَ وَتَرَىٰ عَيْبِكَ الَّذِي فِيهِ حَظُّهُمْ عَلَىٰ مَالِهِمْ سَتَرْتَهُ عَنْهُمْ لَمْ تُدْرِكَهُ أَبْصَارُهُمْ ، وَلَمْ تَعِهِ أَسْمَاعُهُمْ ، وَلَمْ تَلْحَظْهُ أَوْهَامُهُمْ ، فَقُلْتُ :</p>

			فَاذْكُرُونِي اَذْكُرْكُمْ، وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ، وَقُلْتُمْ: لَسِنَّا شَاكِرْتُمْ لَآ اَزِيدُنْكُمْ، وَلَسِنَّا كَهْرْتُمْ لَانَ عَذَابِي لَشَدِيدًا.
غافر/ ٦٠	﴿اِذْعُونِي اَسْتَجِبْ لَكُمْ اِنَّ الَّذِيْنَ يَسْتَكْبِرُوْنَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُوْنَ جَهَنَّمَ دَاخِرِيْنَ﴾	٤٥	وَقُلْتُ: اِذْعُونِي اَسْتَجِبْ لَكُمْ، اِنَّ الَّذِيْنَ يَسْتَكْبِرُوْنَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُوْنَ جَهَنَّمَ دَاخِرِيْنَ، فَسَمَّيْتُ دُعَاكَ عِبَادَةً، وَتَرَكْتُهُ اسْتِكْبَارًا، وَتَوَعَّدْتِ عَلَيَّ تَرْكِيهِ دُخُولَ جَهَنَّمَ دَاخِرِيْنَ
الشورى/ ١١	﴿فَاَطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾	٤٧	اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بِدِيْعِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، رَبِّ الْأَرْبَابِ، وَالْهَ كُلِّ مَالُوهُ، وَخَالِقِ كُلِّ مَخْلُوقٍ، وَوَارِثِ كُلِّ شَيْءٍ، لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَلَا يَعْزُبُ عَنْهُ عِلْمُ شَيْءٍ، وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطٌ، وَهُوَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبٌ
الانعام/ ١٠١	﴿بَدِيْعِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ اِنِّي يَكُوْنُ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُنْ لَهُ صَاحِبَةً وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ﴾	٤٨	وَاسْأَلْتُكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا بِأَنَّ لَكَ الْمُلْكُ، وَلَكَ الْحَمْدُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ الْحَنَّانُ الْمَتَّانُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، بِدِيْعِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، مَهْمَا قَسَمْتَ بَيْنَ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِيْنَ: مِنْ خَيْرٍ أَوْ عَاقِبِيَّةٍ أَوْ بَرَكَاتٍ أَوْ هُدًى أَوْ عَمَلٍ بِطَاعَتِكَ، أَوْ خَيْرٍ تَمَنَّى بِهِ عَلَيْهِمْ تَهْنِئَتِهِمْ بِهِ إِلَيْكَ، أَوْ تَرَفَّعَ لَهُمْ عِنْدَكَ دَرَجَةً، أَوْ تُعْطِيَهُمْ بِهِ خَيْرًا مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ أَنْ تُؤَفِّرَ حَظِّي وَنَصِيْبِي مِنْهُ.
الزمر/ ٥٣	﴿يَا عِبَادِىَ الَّذِيْنَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ، اِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ	٥٠	اللَّهُمَّ اِنِّي وَجَدْتُ فِيمَا أَنْزَلْتَ مِنْ كِتَابِكَ، وَبَشَّرْتُ بِهِ عِبَادَكَ أَنْ قُلْتُ: يَا

	﴿جَمِيعًا﴾		عِبَادِي الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا، وَقَدْ تَقَدَّمَ مِنِّي مَا قَدْ عَلِمْتَ وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي، فَيَسْأَلُنَا مِنَّا الْخُصَاةَ عَلَىٰ كِتَابِكَ
آل عمران ۵	﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ﴾	۵۲	يَا اللَّهُ الَّذِي لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ، وَكَيْفَ يَخْفَىٰ عَلَيْكَ - يَا إِلَهِي - مَا أَنْتَ خَلَقْتَهُ
الاخلاص ۳-۴	﴿لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ﴾ ﴿وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾	۵۴	يَا وَاحِدًا يَا أَحَدًا يَا صَمَدًا يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ

### تسمیه خداوند در قرآن و صحیفه سجادیه

از مقایسه صفات خداوند در قرآن و صحیفه سجادیه نیز به نتایج زیبایی رسیده ایم. صفات ثبوتی خداوند، مانند اول، آخر، ثواب، غنی، مفضل، مهلک، رازق، محیط، رقیب، وارث، مجیب، سمیع، علیم، عفو، غفور، روؤف، رحیم، هادی و امثال این‌ها؛ و صفات سلبی، مانند فرزند داشتن، دگرگونی و... نیز در صحیفه تضمین و یا تلمیح شده است؛ برای نمونه یکی از صفات خداوند مفضل یا مَفْضِلٌ بودن است. مفضل به معنای کسی است که بیش از استحقاق می‌بخشد و نیکی می‌کند.

امام در دعای خود خدا را چنین می‌خواند: «وَيَا مَنْ لَا يَكْفِي عَبْدُهُ عَلَى السَّوَاءِ». اگرچه در این عبارت کلمات قرآنی نیست، اما همین مضمون را در آیه زیر می‌توان یافت: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ مِثَالِهَا» و یا در قسمتی دیگر از همین دعا آمده است: «وَأَنْتَ الَّذِي زِدْتَ فِي السَّوْمِ عَلَى نَفْسِكَ لِعِبَادِكَ، تُرِيدُ رَبِّحَهُمْ فِي مُتَاجَرَتِهِمْ لَكَ، وَقَوْرَهُمْ بِالْوَفَاةِ عَلَيْكَ، وَالزِّيَادَةَ مِنْكَ» این قسمت دعا نیز مستند قرآنی دیگری دارد: «فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ».

نکته زیبایی که در رابطه قرآن و صحیفه می‌توان یافت، دقت‌های لطیفی است که در درخواست‌ها و سخنان امام یافت می‌شود. در دو عبارت پیشین صفت مفضل بودن خداوند در صحیفه سجادیه منعکس شد. اما بر اساس آیات قرآن فزون بخشی خداوند به مؤمنان و یا نیکوکاران اختصاص دارد. امام نیز در همین دعا فزون بخشی را برای کسانی می‌داند که با خدا معامله می‌کنند و یا بندگی او را به جای می‌آورند. هر چند تمام مخلوقات سهم معینی در نزد خداوند دارند ولی فزون بخشی به کسانی اختصاص دارد که در اطاعت، فرمان خدا را بر خواهش‌های خویش مقدم دارند. نمونه‌ای از صفات سلبی خداوند، پدر و فرزند برای خدای تعالی تصور کردن است.

### حمد و ثنای الهی

وقتی فرازهای نخستین کلام معصومین علیهم‌السلام را بررسی می‌کنیم، در می‌یابیم که به شیوه قرآن کریم و بر اساس تعالیم مکتب نبوی، سخن خود را با حمد و ثنای خداوند قادر و متعال آغاز می‌کنند. مطلع قرآن کریم سوره فاتحه است که پس از بسم‌الله الرحمن الرحیم با حمد و ستایش خداوند آغاز می‌شود و می‌فرماید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ حمد و ستایش مخصوص پروردگار جهانیان است». امام سجّاد علیه‌السلام در نخستین دعای خویش می‌گویند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ بِلا أَوَّلٍ كَانَ قَبْلَهُ...»؛ «حمد خدایی را که اوّل همه هستی است که قبل از او اوّلی نبود...». و این درسی است که امامان معصوم علیهم‌السلام در مکتبخانه رسالت آموخته‌اند و آن را به پیروان راه خویش می‌آموزند.

### واحد؛ احدیت

«إِنَّكَ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ، الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَكَ كُفُوًا أَحَدٌ»

دعای امام اشاره‌ای به آیات مانوس زیر است:

﴿اللَّهُ الصَّمَدُ \* لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ \* وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾

## ازلّیت و ابدیت خداوند

امام سجّاد علیه السلام در اوّلین فراز از سخن خویش خداوند را به ازلّیت و ابدیت توصیف فرموده و می‌ستایند:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ بِمَا كَانَ قَبْلَهُ وَالْآخِرِ بِمَا آخِرَ يَكُونُ بَعْدَهُ؛ ستایش خداوندی را سزد، که اوّل همه هستی است و قبل از او اوّل نبوده و آخر است؛ بی آنکه پس از او آخری باشد» (صحیفه کامله سجّادیه، ترجمه حسین انصاریان، ۱۳۷۴: ۳۳).

در سوره مبارکه حدید آیه ۵ آمده است:

﴿هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾

«او است اوّل و آخر و ظاهر و باطن، و او به هر چیزی دانا است»

در خصوص این که مراد از «اوّل» و «آخر» بودن خداوند متعال چیست، مفسّران دیدگاه‌های مختلفی ارائه کرده‌اند، که برای تبیین آن به بیانی که در تفسیر المیزان آمده است بسنده می‌کنیم. علامه طباطبائی می‌فرماید: «این اسماء چهارگانه یعنی اوّل و آخر و ظاهر و باطن چهار شاخه و فرع از نام (محیط) است، و محیط شاخه‌ای از اطلاق قدرت او است، چون قدرتش محیط به هر چیز است. ممکن هم هست نام‌های مورد بحث را شاخه‌هایی از احاطه قدرتش ندانیم، بلکه شاخه‌هایی از احاطه وجود او بگیریم، چون وجود او قبل از وجود هر چیز و بعد از وجود هر چیز است...». بعضی از مفسّران نیز گفته‌اند: او اوّل است برای اینکه قبل از هر چیز بوده، و آخر است چون بعد از هلاک و فناء هر چیز هست... بعضی دیگر گفته‌اند اوّل یعنی بی ابتداء و آخر یعنی بی انتهاء (طباطبائی، ۱۳۶۷، جلد ۱۹: ۲۹۷-۲۹۸). به نظر می‌رسد که وصف اوّل و آخری که در این آیه به کار رفته است، به طوری که کلام امام سجّاد علیه السلام و برخی روایات دیگر نیز مؤید آن هستند، به همان معنای ازلّیت و ابدیت باشد.

## خداوند نادیدنی

امام سجّاد علیه السلام در فرازی از دعایشان می‌گویند:

«... الَّذِي قَصَرَتْ عَنْ رُؤْيَيْهِ أَبْصَارُ النَّاطِقِينَ: خدایی که دیده بینندگان از دیدنش قاصر

است» (صحیفه سجاده: ۳۳).

از نکات قابل ملاحظه آن است که محدودیت و قاصر بودن ابصار بندگان موجب شده است که نتوانند آن معبود را ببینند؛ در حالی که گفته شد او ظاهر است. و این ناتوانی دیدگان از رؤیت حضرت حق، در حالی است که او می‌بیند؛ چراکه او بصیر است. همانطور که در قرآن کریم آمده است:

﴿لَا تَدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ...﴾ (الانعام/۱۰۳)

«دیدگان او را در نمی‌یابند در حالی که او دیدگان را در می‌یابد...».

### خداوندِ قادر، خالقِ آفریدگان

در یکی از فرازهای دعای امام سجّاد علیه‌السلام آمده است:

﴿إِتَدَعَ يَقْدِرُهُ الْخَلْقُ اِتِدَاعًا: وَ بِه دَسْت قَدْرَتِشْ آفْرِيدْگَان رَا اِيْجَاد كَرْدَ﴾.

فراز مذکور به این آیه از قرآن کریم، اشاره دارد که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾ (البقره/۱۱۷)

«خدا آفریننده آسمان‌ها و زمین است و چون اراده آفریدن چیزی را کند، به

محض آن که بگوید موجود باش، همان دم موجود خواهد شد»

این آیه شریفه علاوه بر آن که خالقیت را به خداوند اختصاص می‌دهد، اشاره‌ای به قدرت بی‌چون و چرای خدا در ایجاد مخلوقات دارد. همان طور که امام سجّاد علیه‌السلام نیز در فراز مذکور آفرینش خداوند را با قدرت و اقتدار معرفی فرموده‌اند.

در دعاهای امام، گاه مواردی دیده می‌شود که حضرت خواسته خویش را با صفات متعدد خداوند قرین می‌سازد.

به نظر می‌رسد که امام در این دعاها، تأثیر صفات الهی را در برآورده شدن حاجات آموزش داده است: برای نمونه، امام در دعای بیست و ششم درخواست نیکوی خود را برای عموم مسلمانان و مؤمنان می‌طلبد و برآورده شدن آن را با صفات هشت‌گانه الهی هم‌نشین می‌سازد و با تلمیح زیبایی به آیه قرآن قریب بودن خداوند را سبب برآورده شدن حاجات می‌داند: «اللَّهُمَّ اَعْطِنَا جَمِيعَ ذَلِكَ بِتَوْفِيقِكَ وَرَحْمَتِكَ، وَاعْزِنَا مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ، وَاعْطِ جَمِيعَ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ مِثْلَ الَّذِي سَأَلْتَنِي لِنَفْسِي وَلَوْلَدِي فِي عَاجِلٍ

الدُّنْيَا وَآجَلِ الْآخِرَةِ، إِنَّكَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ سَمِيعٌ عَلَيْهِمْ غَفُورٌ رَّؤُوفٌ رَحِيمٌ»؛ دعای حضرت تلمیحی از آیه زیر است:

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾

البته پر واضح است که فهرست اشارات قرآنی صحیفه تنها نمایی از بهم پیوستگی صحیفه سجادیه با قرآن را نشان می‌دهد. بررسی دقیق هر موضوعی نیازمند شناخت زمان و جریان‌های آن دوره است:

برای نمونه، دعای دوم صحیفه سجادیه در توصیف پیامبر اعظم(ص) است. ارزش عبارت‌های دعا هنگامی نمایان می‌شود که حوادث سال‌های ۸۵ تا ۹۴ هجری را مرور کنیم. گستاخی نظام حاکم، سبب شد تا حاکم مکه در سال ۸۹ هجری در سخنرانی خود مقام خلیفه را از رسول خدا(ص) برتر بداند و چاه آب حفر شده به وسیله ولید بن عبدالمملک را از زمزم با ارزش‌تر شمارد. در همین فضا/امام سجاد(علیه السلام) در توصیف پیامبر فرمود:

«وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ دُونَ الْأُمَمِ الْمَاضِيَةِ وَالْقُرُونِ السَّالِفَةِ، بِقُدْرَتِهِ الَّتِي لَا تَعْجِزُ عَنْ شَيْءٍ وَإِنَّ عَظْمَهُ، وَلَا يَفُوتُهَا شَيْءٌ وَإِنَّ لَطْفَهُ»

«مَنْ» به معنای نعمتی بزرگ و سنگین است، هرچند در فرهنگ ما منت مفهومی ناپسند دارد، اما حقیقت آن است که منعم احساس خردی در برابر کسی می‌کند که نعمتی بزرگ را در اختیارش نهاده است و ولی نعمت او هم نیست.

از همین روی، فرزند در برابر نعمت‌های پدر و یا زن در برابر نعمت‌هایی که شوهر در اختیارش می‌گذارد، احساس حقارت نمی‌کند. امام سجاد(علیه السلام) در معرفی پیامبر از فعل «من» استفاده کرد تا بزرگی رسالت و مقام پیامبر(ص) را برساند و از سویی، برای مسلمانانی که با قرآن آشنایی دارند، نعمت بزرگ خداوندی را یاد آورد:

«لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»

امام در قسمتی دیگر از همین دعا پیامبر اکرم(ص) را «امام الرحمة» و «مفتاح البركة» می‌خواند. این تعابیر در سرزمینی که حاکم آن، ولید بن عبدالمملک را از/براهیم

خلیل با برکت تر می‌داند، بسیار پر معناست: «اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا أَمِينًا عَلَيَّ وَحِيكَ، وَنَجِيكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَصَفِيكَ مِنْ عِبَادِكَ، إِمَامَ الرَّحْمَةِ، وَقَائِدَ الْخَيْرِ، وَمِفْتَاحَ الْبَرَكَةِ»  
با تأملی در آیات قرآن، رحمت و برکت پیامبر را می‌توان دریافت:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾

و وجود مبارکش آن چنان با برکت بود که خداوند به او تضمین داد تا هنگامی که در میان امتش است، برایشان عذاب نفرماید: «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ».

### ناسپاسان، گمراه‌تر از چهارپایان

امام سجّاد علیه‌السلام در فراز دیگری از صحیفه سجّادیه می‌فرماید: اگر خداوند، معرفت حمد و سپاسگزاری بر عطایای پیاپی خود بر انسان‌ها و نعمت‌های پیوسته که برایشان کامل ساخته دریغ می‌کرد، قطعاً در مقابل، انسان‌ها از نعمت‌هایش بهره می‌بردند؛ اما سپاس او را به جای نمی‌آوردند، و با استفاده از روزی خداوند، گشایش در زندگی خود ایجاد می‌کردند، اما شکر آن را به جای نمی‌آوردند. در ادامه می‌افزایند:  
«وَلَوْ كَانُوا كَذَلِكَ لَخَرَجُوا مِنْ حُدُودِ الْإِنْسَانِيَّةِ إِلَى حَدِّ الْبَهِيمِيَّةِ» (صحیفه سجّادیه: ۳۵).

یعنی اگر انسان اینگونه عمل کند در واقع از حدود انسانیت خارج شده و به مرز حیوانیت رسیده است. آن امام گرامی، در این قسمت به یکی از آیات قرآن کریم اشاره دارند و می‌فرماید این افراد متّصف به وصفی هستند که خداوند در قرآن فرموده است:

﴿إِنَّ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا﴾ (الفرقان / ۴۴)

«اینان [در بی‌عقلی] مانند چهارپایان‌اند؛ بلکه از آن‌ها نادان‌تر و گمراه‌ترند»

امام سجّاد علیه‌السلام با اشاره به این آیه می‌خواهند قبح کفران و ناسپاسی را نشان دهند، و ناسپاس کسی است که نسبت به منشأ رزق و روزی و نعمت‌ها هیچ معرفتی نداشته باشد و یا به عبارت دیگر هر چه معرفت انسان نسبت به خداوند کم‌تر باشد، ناسپاسی وی فزون‌تر خواهد بود. امام سجّاد علیه‌السلام پس از توصیف ناسپاسان، همه معرفت خویش نسبت به خداوند و توفیق شکر و سپاسش را تفضّل و عنایت الهی می‌داند و به همین جهت زبان به حمد و ستایش خداوند می‌گشاید و می‌فرماید:



«سپاس خدای را به خاطر آنچه که از وجود مبارکش به ما شناسانده و آنچه از شکرش به ما الهام فرموده و درهای دانشی که به پروردگارش بر ما گشوده و بر اخلاص و ورزی در توحید و یگانگی‌اش ما را رهنمون شده و قلب ما را از الحاد و شک در کار خویش دور نگه داشته است» (صحیفه کامله سجادیه، پیشین). سپس آن امام گرامی، کیفیت حمد و سپاس خویش را در چند فراز از سخنانشان بیان می‌فرمایند، که در قسمتی از آن آمده است:

«... حمداً یُصیِّئُ لَنَا بِهٖ ظُلْمَاتِ الْبَرِّخِ وَ یُسَهِّلُ عَلَيْنَا بِهٖ سَبِيلَ الْمَبْعُثِ وَ یُشْرِفُ بِهٖ مَنَازِلَنَا عِنْدَ مَوَاقِفِ الْإِشْهَادِ»

«حمد و سپاسی که تیرگی‌های برزخ را به سبب آن بر ما روشن کند و راه رستخیز را بر ما آسان نماید و موقعیت و جایگاه ما را نزد گواهان آن روز بلند گرداند»

### وصف قرآن در صحیفه سجادیه

اکنون به برخی از اسامی که هم در قرآن کریم و هم در کتاب صحیفه در مورد وصف قرآن آمده، اشاره می‌شود.

- نور: چیزی است که هم خودش روشن و آشکار است و هم موجب آشکار شدن اشیاء و امور دیگر می‌شود. این واژه، در مجموع ۴۳ بار در قرآن مانند (المائده/۱۵-۴۴؛ النساء/ ۱۷۴) استفاده شده است. در تبیین علت نام‌گذاری قرآن به نور باید گفت آیات این کتاب، از بسیاری از اسرار نهان نظام هستی پرده برمی‌دارد. انسان نیز در پرتو روشننگری‌های آن راه سعادت و نیک‌بختی را می‌شناسد و با اطاعت از رهنمودهای آن، از گرایش به انحراف و گمراهی اعتقادی و معنوی در امان می‌ماند. در دعای ختم قرآن صحیفه سجادیه می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَعْتَنِي عَلَى خَيْرِ كِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَهُ نُورًا: ای خداوند، تو مرا یاری دادی که کتاب تو را از آغاز تا انجام تلاوت کنم، کتابی که آن را همانند نوری نازل کرده‌ای»؛

«وَجَعَلْتَهُ نُورًا نَهْتَدِي مِنْ ظُلْمِ الضَّلَالَةِ وَالْجَهَالَةِ بِاتِّبَاعِهِ؛ بار خدایا، قرآن را نوری قرار داده‌ای که در پرتو آن از تاریکی‌های گمراهی و نادانی برهیم».

## فرقان

این واژه شش بار در قرآن ذکر شده، ولی همیشه به عنوان نام و یا صفت آن به کار نرفته است. در آیه اول سوره فرقان می‌خوانیم:

﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾

«خجسته باد کسی را که بر بنده خود فرقان فرو فرستاد تا هشداردهنده‌ای برای جهانیان باشد»

بر این اساس دلیل نامیدن فرقان بر این کتاب، آن است که آیات قرآن همواره بین حق و باطل جدایی می‌افکند و آن‌ها را از همدیگر متمایز می‌کند؛ و به این ترتیب، به اختلاف اعتقادی میان انسان‌ها پایان می‌بخشد. از نظر علم لغت، واژه فرقان، مصدر و به معنای فرق گذاشتن است که به معنای فارق، یعنی فرق گذارنده و جدا کننده به کار رفته است. / امام سجاد در وصف قرآن فرمودند: «فُرْقَانًا فَرَّقَتْ بِهِ بَيْنَ حَلَالِكَ وَحَرَامِكَ؛ فرقانی است که بدو حلالیت را و حرمت را از هم جدا کرده‌ای».

## شِفَاء

این تعبیر، چهار بار در قرآن آمده است مانند

﴿وَنَزَّلْنَا مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا﴾ (الاسراء/

(۸۲)

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَ تَكْوِينُ مَوْعِظَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ

لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ (یونس/۵۷)

شِفَاء مصدر و به معنای بهبود بخشیدن و درمان کردن بیماران، و در معنای اسم مصدری، به معنای بهبودی و درمان است. قرآن شفاء گفته شده، زیرا مجموعه معارف قرآنی، همانند بسیاری از نعمت‌های الهی، مایه شفای انسان، به‌ویژه از بیماری‌های روحی نظیر کفر، نادانی، گمراهی، کینه‌توزی و... است و از طریق برطرف ساختن این امراض معنوی، بسیاری از ناراحتی‌های جسمانی - که ریشه روحی و روانی دارد - برطرف می‌شود. در صحیفه آمده «وَشِفَاءٌ لِّمَنْ أَنْصَتَ بِهِمُ التَّصْدِيقِ إِلَى اسْتِمَاعِهِ؛ و شفایی برای هر که از سر تصدیق بر آن گوش نهد».

## وحی

در دو آیه، از قرآن به عنوان «وحی» یاد شده است مانند

﴿فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ﴾ (النجم/ ۱۰)

﴿وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكُلِمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بآيَاتِهِ مَا يَشَاءُ﴾

﴿إِنَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ (الشوری/ ۵۱)

و در یک جا می‌فرماید، قرآن یگانه معرفت و حیانی است که به رسول اکرم (ص) وحی می‌شود. در اصل، وحی به معنای سرعت است؛ سپس کلمه وحی به هرگونه فهماندن پنهانی اطلاق شده است. در اصطلاح اندیشمندان اسلامی، وحی به معنای القای مطلبی از سوی خداوند متعال به پیامبران است که اشکال گوناگونی دارد: گاه با واسطه است و گاه بی واسطه؛ گاهی دیگران هم آن را می‌شنوند و گاه نمی‌شنوند؛ زمانی از طریق مکتوبی است که پیامبران می‌بینند و وقتی مطلبی است که به قلب‌شان الهام می‌شود؛ علت اطلاق وحی به قرآن این است که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله معارف قرآن را از سوی خداوند متعال، به صورتی که برای دیگران غیر محسوس بود، دریافت می‌کردند.

## هدی

در برخی از آیات، با تعبیر گوناگونی از قرآن کریم به عنوان کتاب هدایت یاد شده است مانند (البقره/ ۲- ۱۸۵؛ المائده/ ۴۴). از آنجا که انسان برای رسیدن به کمال شایسته است، باید خود را بشناسد و هدف از آفرینش و راه کمال و سعادتش را تشخیص بدهد. خداوند متعال، رسولان الهی و کتاب‌های آسمانی را به منظور تحقق همین هدف فرستاده است. قرآن کریم، کامل‌ترین کتاب هدایت و عالی‌ترین برنامه زندگی است. واژه «هدی» که به عنوان صفت قرآن در آیاتی به کار رفته، ۸۵ بار در مجموع آیات الهی ذکر شده است. قرآن به این دلیل که وسیله هدایت است و هیچ‌گونه گمراهی در آن راه ندارد، به «هدی» نام‌گذاری شده است. خداوند در آیات قرآن، از هدایت با تعبیری چون هُدی، یهدی، هادی و... یاد کرده است. در صحیفه سجادیه دعای ختم قرآن آمده: «وَنُورَ هُدًى لَا يَطْفَأُ عَنِ الشَّاهِدِينَ بَرَهَانُهُ؛ چراغ هدایتی که فروغ برهانش را خاموشی نیست».

## مهیمن

این واژه از اسماء خدا (الحشر/۲۳) و در وصف قرآن آیه: ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ﴾؛ «و این کتاب [قرآن] را به حق بر تو نازل کردیم، در حالی که کتب پیشین را تصدیق می‌کند، و حافظ و نگاهبان آن هاست» (المائده/ ۴۸) آمده است، مهیمن در اصل به معنی چیزی که حافظ و شاهد و مراقب و امین و نگهداری کننده چیزی بوده باشد، و از آنجا که قرآن در حفظ و نگهداری اصول کتاب‌های آسمانی پیشین، مراقبت کامل دارد و آن‌ها را تکمیل می‌کند (تفسیر نمونه، ج ۴: ۴۰۱).

امام سجاد فرمود: «وَجَعَلْتُهُ مُهَيِّمًا عَلَىٰ كُلِّ كِتَابٍ أَنْزَلْتُهُ؛ و بر هر کتاب که زین پیش نازل کرده‌ای گواهِش ساخته‌ای».

## میزان قسط

در قرآن آیات:

﴿أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾ (الحديد/ ۲۵)  
﴿وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ ﴿۱﴾ أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ ﴿۲﴾ وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ﴾ (الرحمن / ۷ - ۹)

اهمیت میزان به هر معنی در زندگی و حیات انسان چنان است که هرگاه همین مصداق محدود و کوچکش یعنی ترازو را یک روز از زندگی حذف کنیم برای مبادله اشیاء گرفتار چه دردسرها و هرج و مرج‌ها دعوا و نزاع‌ها خواهیم شد. به همین نسبت هر گاه مفاهیم گسترده‌تر آن حذف شود نابسامانی افزون‌تر و بی حساب است. قرآن مجید وسیله‌ای است برای سنجش حق از باطل و معیاری است برای تشخیص حقایق، و عامل مؤثری است برای هدایت؛ امام سجاد نیز فرمودند: «وَمِيزَانَ قِسْطٍ لَا يَحِيفُ عَنِ الْحَقِّ لِسَانُهُ»: قرآن ترازوی عدلی است که از بیان حق زبانش کوتاه نیست. بنابراین در قرآن و صحیفه به این وصف آمده است. بر این اساس امام سجاد در توصیف قرآن کریم نیز از وصف‌های خود قرآن استفاده نمودند، بنابراین علاوه بر خداشناسی، قرآن شناسی ایشان منطبق بر آیات کریمه الهی است.

## نتیجه بحث

صحیفه سجادیه که از ارزنده ترین آثار اسلامی، و اثر و یادگار سید الساجدین / امام علی بن الحسین (ع) است ۵۷ دعا را شامل می شود، و پس از قرآن و نهج البلاغه بزرگ ترین و غنی ترین گنجینه حقایق و معارف الهی به شمار می رود و مشتمل بر دقیق ترین مسائل توحیدی، عبادی، اجتماعی و اخلاقی است به طوری که بزرگان شیعه آن را أخت القرآن، انجیل اهل بیت و زبور آل محمد نامیده اند.

امام سجّاد علیه السلام در آن دوران شدید خفقان حاکمان ظالم اموی پس از واقعه عاشورا دست از تفسیر قرآن بر نداشته و تکلیف الهی خود را ادا می کند و با بهره گیری از شیوه نیایش و با زبان دعا و مناجات به تعمیق و ترویج اندیشه های دینی همت گماشته، به تفسیر کلام وحی و ارائه آموزه های قرآنی در قالب دعا و نیایش پرداختند؛ به طوری که اگر در قالب دعا از خداوند چیزی را طلب می کردند، همانی است که خداوند متعال در قرآن کریم وعده آن را به نیکان داده است، و اگر اجتناب و پرهیز از امری را می طلبیدند، همانی است که آن قادر متعال در کلامش آن را نهی فرموده است. صحت تأیید و درستی این گنجینه ارزشمند هنگام انطباق ادعیه زبور آل داود با احادیث معصومین در قالبی دیگر، بر اساس مقتضای زمان و مکان و فهم اصحاب و پیروان ایشان بیان شده است. / امام سجّاد (ع) در کتاب صحیفه با الفاظ و عباراتی جدید در قالب نیایش به همگان تعلیم خداشناسی و خودشناسی و قرآن شناسی داده با استفاده از مجاز، کنایه، استعاره، طباق و با سبک ادبی و بلاغی و هم وزنی ابتدای ادعیه و با حسن مطلع زیبا و با تضمین و اقتباس از آیات قرآن مجید و با کمک مراعات نظیر، توانسته است آینه ای شفاف و روشن و مصداقی زیبا و کامل از آیات و اشارات قرآنی ترسیم کند. با تبیین اشارات علمی، تفسیری و ذکر آیات قرآن در صحیفه سجادیه، بسیاری از جمله های صحیفه مبارکه قابل انطباق با آیات قرآن کریم است، یعنی مطابق با دعا، آیاتی از قرآن کریم وجود دارد، این نکته مبین این است که گوینده احاطه کافی و وافی به آیات قرآن کریم داشته است و امام معصوم مبین آیات الهی است.

## کتابنامه

### قرآن کریم

ابن فارس، احمد. ۱۴۰۴ق، **معجم مقایس اللغة**، تحقیق عبد السلام، مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی.

امام خمینی. ۱۳۶۶ش، **آداب الصلوة**، ترجمه سیداحمد فهری، مشهد: آستان قدس رضوی.

امام خمینی. **وصیتنامه سیاسی الهی**، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

امام علی بن الحسین. ۱۳۸۷ش، **صحیفه سجادیه**، ترجمه الهی قمشهای، قم: انتشارات پیام مقدس.

انصاریان، حسین. ۱۳۷۴ش، **ترجمه صحیفه کامله سجادیه**، ویرایش حسین استاد ولی، تهران: پیام آزادی.

آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن. ۱۳۷۸ق، **الذریعة إلى تصانیف الشیعة**، بیروت: دار الاضواء.

پیشوایی، مهدی. ۱۳۸۱ش، **سیره پیشوایان**، مؤسسه امام صادق.

جعفریان رسول. ۱۳۷۶ش، **حیات فکری و سیاسی امامان شیعه**، قم: مؤسسه انصاریان.

جنتی فر، محمد. **مشکل آموزش زبان عربی در ایران**، ارائه کنفرانس، تهران.

حسن زاده آملی، حسن. ۱۳۷۱ش، **رساله نور علی نور**، بی جا: نشر تشیع.

حلی، احمد بن فهد. ۱۴۰۷ق، **عدة الداعی**، انتشارات دار الكتاب الإسلامی.

شیخ حر عاملی، محمد بن حسن. ۱۴۰۷ق، **وسایل الشیعه**، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.

طباطبائی، محمد حسین. ۱۳۶۷ش، **تفسیر المیزان**، ترجمه سیدمحمد باقر موسوی همدانی، نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی.

الکوازی، محمد کریم. ۱۳۸۶ش، **سبک‌شناسی اعجاز بلاغی قرآن**، تهران: نشر سخن.

مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۴ش، **تفسیر نمونه**، تهران: دار الکتب الإسلامیة.

### مقالات

حیدری، عباس علی. «قرآن، از چشم‌انداز صحیفه سجادیه»، مجله صحیفه مبین، شماره ۳۱.

ممتحن، مهدی و امیرشجاعی، آناهیتا. پاییز ۱۳۹۴، «معناشناسی تقیه در قرآن»، مجله مطالعات

قرآنی، شماره ۲۳.